برای سخنرانی نیامده ام

دشواری سخن گفتن از «مارکز»

محمود حسینی‌زاد
مترجم

● خبر درگذشت گابریل گارسیا مارکز، این نویسنده صاحب‌نام جهانی را شنیدم و بی‌تردید متاثر شدم. گفته می‌شود امروز جامعه هنری به رسم معمول روز مرگ بزرگان؛ از او، آثار، قلم و شخصیتش سخن گویند. من که در اطرافم کسی را نمی‌شناسم که در مورد عظمت ادبی مارکز و شخصیتش بتواند اظهارنظر کند و حتی سخنی چند بگوید. هرچه از او می‌دانیم از طریق کتاب‌ها، آثار ادبی و اطلاعات اینترنتی است که از ایشان درج شده، اما به‌واقع آیا اینها کافی است که بتوان از او سخن گفت؟ هر چه بگوییم همان صحبت‌های تکراری خواهد بود؛ اینکه قلمش عالی بود و کتاب‌هایش تاثیرات فراوانی بر ادب جهان پدید آورد. اینها بدیهیاتی بیش نیست که همه به‌درستی می‌دانیم. کدام‌یک از ما و اطرافیانمان ایشان را از نزدیک می‌شناخت و با او نشست و برخاست داشت که بتواند از او آنچه را که درخورش است، بگوید. بنابراین از مارکز سخن‌گفتن برای من سخت و از آثارش گفتن به مراتب سخت‌تر است.

مارکز و «عشق سال‌های وبا»

مدیا کاشیگر
منتقد و مترجم

● نویسنده «عشق سال‌های وبا» درگذشت؛ که برای من خیلی مهم‌تر از نویسنده «صد سال تنهایی» است. چون دهه ۶۰ که کتاب صد سال تنهایی درآمد، یک نفر که الان اسمش در خاطرم نیست، نوشت «اگر واقعیت دارد که رمان مرده است همه بلند شویم و به آخرین رمان جهان درود بفرستیم.» زمانی که «عشق سال‌های وبا» درآمد، معلوم شد رمان اصلا نمرده است و اتفاقا استمرار دارد. بعد از گابریل گارسیا مارکز نویسندگان دیگری هم توانستند از برکتی که اتفاق «عشق سال‌های وبا» موجبش بود استفاده کنند. صد سال تنهایی آنچه را ثابت کرد این بود که کانون رمان جهان می‌تواند در جای‌جای کره زمین پخش شود. عشق سال‌های وبا هم ثابت کرد که کانون رمان واقعا در جهان پخش است.

«مارکز»، راوی «صدسال تنهایی» درگذشت

گزارش یک مرگ

اوباما، کلینتون، آلنده، یوسا و روسای‌جمهور مکزیک و کلمبیا پیام تسلیت فرستادند

فرزانه ابراهیم‌زاده: هیچ‌کس نمی‌توانست تصور کند امکان دارد او روزی بمیرد. مثل مادربزرگ ماکاندویی هیچ‌کسی جز اهالی قبیله‌اش مرگش را باور نکردند. چراکه پیرشدن و محوشدنش را مثل خوزه آرکادیو دیده بودند. آنها تنها کسانی بودند که باور کردند او مرده است، اما برای بقیه مردم جهان مرگ مارکز مثل شوخی است. انگار او شبیه خوزه آرکادیو بوئندیا در مقابل پنجره رمدیوس خوشگله نشسته و منتظر است تا صد سال تنهایی به سر آید. اما خبر فوری که روی صفحه شبکه‌ها و خبرگزاری‌های دنیا زیرنویس شد، حکایت از داستان دیگری بود. آسوشیتدپرس و بی‌بی‌سی روی خط قرمزشان در یک جمله اعلام کردند: «گابریل گارسیا مارکز درگذشت.» با خواندن این چهار کلمه خیلی‌ها ناگهان در ذهن گفتند: «صد سال تنهایی به پایان رسید.» هزاران نفر در سراسر دنیا به سمت کتاب‌خانه‌هایشان رفتند و ناباورانه کتاب‌هایش را در میان کتابخانه‌شان یافتند و سعی کردند گابیتو را لابه‌لای کلماتش بار دیگر زنده کنند. اما دکترهایی که در ویلای بزرگش در حاشیه مکزیکوسیتی او را برای آخرین‌بار معاینه کردند، اعلام کردند گابو دیگر نفس نمی‌کشد. از هفته قبل که عفونت مجاری ادراری و ریه او را به بیمارستان کشانده بود، خیلی‌ها ناباورانه در انتظار این خبر بودند. خبری که با اعلام نگرانی خانواده مارکز در روز چهارشنبه ۱۶ آوریل احتمال وقوعش خیلی هم دور از ذهن نبود. خانواده برای نخستین‌بار تایید کردند که سرطان کبد او شدت یافته است و حالش خوب نیست. خانواده مارکز ساعتی بعد از اعلام زمان مرگ رسما خبر را تایید کردند. با شنیدن این خبر جمعی از اهالی مکزیکوسیتی با گل‌های زردرنگ به سمت خانه او رفتند تا ناباورانه باورشان شود که خالق یکی از ۱۰ رمان قرن بیستم دیگر نیست که برایشان قصه‌گویی کند. البته او سال‌ها بود که در فراموشی تدریجی، قصه‌هایش را فراموش کرده بود. با این همه خیلی‌ها امیدوار بودند شایعه فراموشی مارکز واقعی نباشد و روزی باز او پشت میز کارش بنشیند و به مرسدس همسرش که سال‌ها در کنارش زندگی کرد بگوید دارد روی کار تازه‌اش کار می‌کند. اما مرگ مارکز فقط علاقه‌مندان گمنامش در سراسر جهان را دچار بهت نکرد.

پیام‌های تسلیت؛ از اوباما تا آلنده

به‌دنبال انتشار این خبر بسیاری از چهره‌های سیاسی و فرهنگی جهان دست به قلم بردند و در توییتر و سایر شبکه‌های اجتماعی از این نویسنده مشهور کلمبیایی گفتند. باراک اوباما رییس‌جمهور آمریکا یکی از نخستین چهره‌های سیاسی بود که با انتشار یادداشت کوتاهی از درگذشت نویسنده مورد علاقه‌اش اظهار ناراحتی کرده بود و نوشت: «جهان یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان رویاگرایش را از دست داد. اولین‌بار افتخار داشتم او را در مکزیک ملاقات کنم؛ جایی که نسخه امضاشده کتابش را به من هدیه کرد و من تا امروز آن را عزیز و گرامی داشته‌ام. همدردی‌ام را به خانواده و دوستان او تقدیم می‌کنم و امیدوارم آنها با این واقعیت که کارهای گابو برای نسل‌های آینده ماندگار خواهد بود، تسلی پذیرند.» جان مانوئل سنتوس، رییس‌جمهور کلمبیا هم در توییتر خودش از درگذشت مارکز ابراز ناراحتی کرد و نوشت: «صد سال تنهایی و اندوه برای مرگ بزرگ‌ترین کلمبیایی تاریخ... به مرسدس همسر گابو و خانواده‌اش تسلیت می‌گویم. غول‌ها هرگز نمی‌میرند.» رییس‌جمهور مکزیک هم که مارکز در سرزمین او مرد، او را یک مرد مکزیکی نامید و مرگ بزرگ‌ترین نویسنده زمان حاضر را به علاقه‌مندانش تسلیت گفت. اما شاید خیلی‌ها در سراسر دنیا در کنار شنیدن خبر درگذشت گابیتوی آمریکای لاتین در انتظار شنیدن اظهارنظر نزدیک‌ترین دوست سال‌های دور او، یکی دیگر از بزرگ‌ترین نویسندگان جهان بودند. ماریوس بارگاس یوسا در حالی که صدایش می‌لرزید و صورتش را پشت عینک سیاه بزرگی پنهان کرده و لبه کلاه بیسبال را پایین آورده بود، افزود: او با رمان‌هایش باقی خواهد ماند و همچنان خوانندگانش در سراسر جهان را منتفع می‌کند. مارکز بعد از سال‌ها قرار بود امسال در مراسم افتتاح رسمی جایزه یوسا در پرو شرکت کند که بیماری مجال این کار را از او گرفت. اما این تنها یوسا نبود که از درگذشت رفیق گذشته خود ابراز ناراحتی کرد. ایزابل آلنده نیز که سال‌ها پیش پدرش سالوادور آلنده از دوستان نزدیک مارکز بود در واکنش به انتشار خبر درگذشت مارکز نوشت: «شاهکارهای ادبی کمی از گذر بی‌رحمانه زمان جان سالم به‌در می‌برند و یاد نویسندگان معدودی جاودانه می‌شود، اما جایگاه گارسیا مارکز در مقبره استادان کلاسیک است. من به منظور جلوگیری از گریستن برای او، به مطالعه مداوم آثارش می‌پردازم.» این تنها نویسنده‌ها و سیاستمداران نبودند که از مرگ مارکز بهت‌زده بودند. شکیرا، خواننده کلمبیایی‌الاصل که علاقه زیادی به مارکز داشت نیز برای او نوشت: «گابوی عزیز ما زندگی تو را همچون هدیه‌ای غیرقابل تکرار و بی‌نظیر به یاد خواهیم آورد.» مارکز از نویسندگانی بود که محبوب سیاستمداران زیادی بود. از بیل کلینتون گرفته تا فیدل کاسترو دوستان نزدیک او بودند. شاید همین هم باعث شد تا بعد از سال‌ها بیل کلینتون در یک اظهارنظر غیررسمی از او یاد کند: «از زمانی که «صدسال تنهایی» را خواندم- بیش از ۴۰ سال پیش- همیشه حیرت‌زده استعداد ویژه او در خیالپردازی، افکار روشن و صداقت احساسی او بودم. رییس‌جمهور پیشین آمریکا افزود: «افتخار می‌کنم که از دوستان وی بودم و قلب بزرگ و ذهن درخشانش را به مدت بیش از ۲۰ سال می‌شناختنم.»

فرصت زندگی مجدد

نام گابریل گارسیا مارکز بیشتر از نیم قرن به‌عنوان مهم‌ترین نویسنده جهان مطرح بود. گابریل خوزه گارسیا مارکز ۸۹ سال پیش در ششم مارس ۱۹۲۷ در دهکده آرکاتا در کشور کلمبیا به دنیا آمد و تا هفت سالگی در کنار مادر بزرگ و پدربزرگ مادری‌اش سرهنگ مارکز بزرگ شد. تاثیر زندگی با مادربزرگ و پدربزرگش آنچنان در او اثری ماندگار گذاشته بود که در آثار مهم او خودش را به نمایش گذاشت. دو رمان مهم «صدسال تنهایی» و «عشق سال‌های وبا» بر اساس زندگی مادربزرگ و پدربزرگش و عشق میان پدر و مادرش شکل گرفته بود. مارکز از مادربزرگش داستان‌های مردمی و سحر و جادو را آموخت. او برای مارکز خردسال با زبانی بسیار خشک و جدی قصه‌هایی در مورد اجداد مرده خانواده، ارواح و اجنه تعریف می‌کرد. مارکز بعدها برای نوشتن مهم‌ترین کتاب خود از همین داستان‌ها الهام گرفت. در سفری کوتاه به کلمبیا در سال ۱۹۵۸ با نامزدش مرسدس بارکاپاردو در ۱۳سالگی تقاضای ازدواج کرد و بیش از نیم قرن با یکدیگر زندگی کردند؛ بخش اعظم این سال‌ها را در مکزیک گذراندند. در سال‌های بین ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۱ به چند کشور بلوک شرق و اروپایی سفر کرد و در سال ۱۹۶۱ برای زندگی به مکزیک رفت. اما بخت زمانی به این نویسنده بزرگ روی آورد که او شاهکار نوشتن صدسال تنهایی در سال ۱۹۶۵ را آغاز کرد. او که در این رمان زندگی چند نسل از خانواده بوبیندیا را روایت می‌کند، یکی از مهم‌ترین رمان‌هایی رئالیسم جادویی را خلق کرد. این کتاب که یکی از مهم‌ترین آثار ادبی قرن اخیر است به همه زبان‌های زنده جهان ترجمه شده است و میلیون‌ها نفر آن را به زبان‌های مختلف خوانده بودند. در ایران این کتاب نخستین اثر مارکز بود که توسط بهمن فرزانه به خوانندگان فارسی‌زبان معرفی شد. مترجمی که ۷۰روز پیش‌تر در تهران و تنهایی مرد. به گفته بسیاری از منتقدان جهان جمله آغازین صد سال تنهایی شاید یکی از مهم‌تری جمله‌های افتتاحیه آثار ادبی جهان است که در عصری که کسانی چون آلن‌روب‌گریه از مرگ رمان می‌گفتند بار دیگر جهان را به خواندن رمان تشویق کرد، آنجا که آغاز کرد: «با سپری‌شدن سالیانی دراز، زمانی که سرهنگ آئورلیانو بوئندیا در برابر فوجی از سربازان جوخه آتش قرار گرفته بود تا حکم اعدام را درباره‌اش اجرا کنند، بعدازظهر آن روزی را به یاد آورد که همراه پدرش به کشف یخ رفته بود...» اما شاید این جمله به اندازه آخرین جمله‌های صد سال تنهایی تاثیرگذار بود؛ آنجایی که بعد از مرگ اورسلا و شخصیت‌های کلیدی این رمان نوشت: «چنین پیشگویی شده بود که شهر آیینه‌ها درست در همان لحظه‌ای که آئورلیا بابیلونیا کشف رمز دست‌نوشته‌ها را به پایان برساند، با آن طوفان نوح، از روی زمین و خاطره بشر محو خواهد شد و آنچه در آن دست‌نوشته‌ها آمده است، از ازل تا ابد تکرارناپذیر خواهد بود؛ زیرا نسل‌های محکوم به صد سال تنهایی، فرصت مجددی روی زمین نداشتند.» مارکز بعد از انتشار صد سال تنهایی و موفقیت این کتاب دست به نوشتن دومین شاهکار خود یعنی عشق سال‌های وبا زد. کتابی که دریافت نوبل ادبی را برای او قطعی کرد. دریافت جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۸۲ این آکادمی را مفتخر کرد که به یکی از بزرگ‌ترین نویسندگانی که نه‌تنها توجه‌ها را به سمت ادبیات آمریکای لاتین بلکه ادبیات در سراسر جهان جلب کرد، جایزه‌اش را اهدا کرد. بنیاد نوبل او را شعبده‌باز کلمات خواند. مارکز در ژانویه ۲۰۰۶ اعلام کرد که دیگر تمایل به نوشتن را از دست داده است. با دست‌کشیدن از نوشتن، او دیگر مطلب تازه‌ای ننوشت تا روز ۱۷ آوریل که برای همیشه چشم از جهان فروبست. با مرگ او بسیاری از خود پرسیدند آیا غول‌ها می‌میرند؟ پاسخی که خود در اتوبیوگرافی‌اش داده بود: «بیاید. زندگی آنچه زیسته‌ام نیست، بلکه همان چیزی است که در خاطرمان مانده و آن‌گونه است که به یادش می‌آوریم تا روایتش کنیم.»

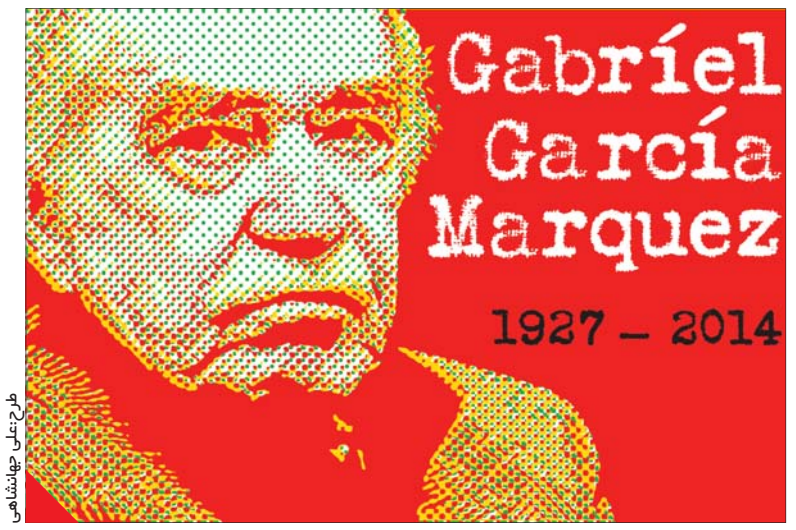

طرح: علی جهانشاهی

تدفین مادر بزرگ

تاثیر ۱۵ساله مارکز بر ادبیات ایران

مهدی غبرایی
مترجم

● مرگ، امری طبیعی است اما مهم این است که هنر و ادبیات، ادامه پیدا می‌کند و دلخوشی ما نیز همین است. تا وقتی زندگی هست، هنر و ادبیات هم هست. از مرگ مارکز متاثر شدم. مرگ ژوزف ساراماگو نیز برایم تکان‌دهنده بود چون از نظر سنی کمی جوان‌تر از مارکز بود و آثارش را ترجمه کرده بودم. من شخصا مارکز را دوست دارم اما کسانی را سراغ دارم که ادبیات او را نمی‌پسندند حتی در نوشته‌هایی که برخی از جوان‌ها به مناسبت مرگ او نوشته‌اند، این موضوع مطرح شده است که نام‌های به‌کاررفته در کتاب «صدسال تنهایی» بسیار شبیه هم هستند و داستان برایشان نامفهوم بوده است. بنابراین با وجود آنکه او طرفداران زیادی دارد اما کسانی نیز هستند که آثارش را نمی‌پسندند با این‌حال غلبه آنها که کتاب‌هایش را دوست دارند، بیشتر است. وقتی به سراغ آثار برجا مانده از مارکز می‌رویم، کمتر کسی که دوستدار مارکز است با من اختلاف سلیقه دارد و همه متفق‌القول مهم‌ترین کتاب او را «صدسال تنهایی» می‌دانند. به اعتقاد من هم «صدسال تنهایی» جای خاص خود را داشته است. این کتاب، اولین اثری از مارکز بود که در ایران و جهان گل کرد. حتی خیلی‌ها به تأسی از او پرداختند و این کتاب ۱۰، ۱۵سال روی ادبیات ایران تاثیر گذاشت. البته کتاب‌های دیگر او مانند «عشق سال‌های وبا» و «گزارش یک قتل» را هم دوست داشتم. هرکدام از کتاب‌های مارکز را که خواندم، برایم لذتبخش بوده است. نویسندگان دیگری هم هستند که سبک رئالیسم جادویی را ادامه داده‌اند مثلا هاروکی موراکامی در ژاپن یا مویان در چین این شیوه را به شکلی دیگر انجام داده‌اند. در کشور ما استاد بهمن فرزانه، مارکز را به ایرانیان معرفی کرد. احمد گلشیری و تعداد دیگری از مترجمان نیز به سراغ آثار او رفته بودند اما آثار مارکز، زبان اصلی‌ای نبود که من ترجمه می‌کنم، در نتیجه به سراغ کتاب‌های او نرفتم حتی اگر به سراغ دیگر نویسندگان آمریکای لاتین نیز رفتم، اخلاق حرفه‌ای را رعایت کرده‌ام مثلا وقتی تصمیم گرفتم دو کتاب غیررمان از بارگاس یوسا را ترجمه کنم ابتدا از عبدالله کوثری به صورت تلفنی پرسیدم که می‌خواهد این آثار را ترجمه کند و رضایت او را جویا شدم. شاید برای برخی عجیب باشد اما به‌صورت کلی، ادبیات آمریکای لاتین از نظر خواندن، اشتیاق را در من برمی‌انگیزد اما از نظر ترجمه هیچ‌وقت ترغیب نشدم که به سراغ ترجمه آنها بروم.

چگونه با معدل ۱۱/۲۳ و رتبه ۱۳۰ هزار دانشجوی دندانپزشکی روزانه سراسری شدم؟

از شکست درس بگیر

آنقدر افتادم، افتادم، افتادم تا جلو افتادم... در هر کاری هر چند سخت و ناممکن برای رسیدن به هدف و مقصد با تلاش و پشتکار فراوان این ناممکن تبدیل به ممکن میشود و راه شما آسان. همانطوری که قطرات لطیف آب فقط با پشتکار حتی سنگ را میشکافند. پس باید صبور باشیم و بدانیم که عجله در هر کاری سرانجام خوبی ندارد و راهتان را طولانی تر میکند. من میلاد علی نیا- دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه سراسری روزانه هستم که از شکست درس گرفتم و از درد به درک رسیدم.

آمادگی برای کنکور ۹۰:

روز پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۹ بود که همه برای کنکور آماده میشدن. من هم مثل همه تصمیم گرفتم که در کلاس کنکور ثبت نام کنم. به تنها چیزی که فکر میکردم قبولی در رشته دندانپزشکی بود.

بعد از گذشت ۷ ماه:

امروز ۲۸ اسفند ماه، هنوز نتونستم درسامو تموم کنم و حتی به ۲۰ درصد برنامم عمل نکرده‌ام. پر از استرس ام هر روز که میگذره فشار دروس نخوانده و تنگی وقت رو بیشتر احساس میکنم. چطور میتونم زمانم رو مدیریت کنم تا هم به کلاس هام برسم و هم به درسام. چطور میخوام با روزی ۹ ساعت کلاس داشتن به همون اندازه زمان واسه مطالعه داشته باشم؟ چرا هر چه یاد میگیرم زود از خاطرم فراموش میشه؟ این ها سؤال هایی بود که هیچوقت رهایم نمیکرد. شرایطم سخت بود، اما ناچار همین وضع رو تا کنکور می بایست ادامه میدادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعه ام درسته؟ آیا میتونم اونچه رو که یاد میگیرم تو تست ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالأخره کنکور ۹۰ میرسه و من با استرس زیاد و تجربه کم و تقریباً بدون آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف های دوستام و همکلاسی هام درست بود من با معدل ۱۱،۲۳ نمیتونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما هیچکدوم از اونا نتونستن وضعیتم رو تغییر بدن. حرف همشون این بود که: میلاد میتونی به رشته دیگه هم فکر کنی. همه رشته ها خوبن. اما هیچکدوم نمیدونستن که من رو هدفم پافشاری میکنم. در جوابشون میگفتم ۱۲ سال درس خوندم برای یک هدف اون هم دندونپزشکی که در نهایت لبخندی جهت تمسخر میزدن و ختم جلسه. در تمام طول عمرم هیچوقت شرایطی به دشواری اون زمان نداشتم. در شرایطی که اکثر دوستام به دانشگاه رفتن و من حتی مجاز به انتخاب رشته هم نشدم. رتبه ۱۳۰ هزار منطقه ۲، نهایت فاجعه بود. رتبه ای بود که من حتی با فکر کردن به آن شرم میکردم.

آشنایی با استاد:

گفتم برای آخرین بار در کنکور شرکت کنم اما نتونستم وضعیت روحی ام رو تغییر بدم. این وضعیت تا اواخر سال ۹۰ یعنی تا حدود دی ماه ادامه داشت، تا اینکه در یکی از مجلات مقاله ای از یک استاد بزرگ خوندم. کاری که استاد میکرد برام غیر قابل باور بود. مگر میشه با تکنیک خاصی استرس، ترس ونگرانی هامو رها کنم؟!! بله میشد، مقاله از تکنیک برنامه ریزی استاد صحبت میکرد. من با خواندن آن مقاله سعی کردم بیشتر بدانم و تحقیق کردم. پس از اینکه اطلاعات کافی رو به دست آوردم با استاد تماس گرفتم و ماجرای کنکورم، شرایط روحی و روانی ام رو برای استاد توضیح دادم و اولین تکنیکی که استاد بهم آموزش دادن، تکنیک رفع استرس و اضطراب و آماده سازی روحی و روانی بود. مجموعه آلفای ذهنی استاد رو دریافت کردم و پس از آن با برنامه استاد تصمیم گرفتم از اساتیدی استفاده کنم که با استفاده از تکنیک های برتری که در اختیار داشتن میتونستن راه کنکور مو بسیار ساده کنند. پس کارم رو شروع کردم واستاد به من آموخت که اگر بخوام همه چیز را میتونم تغییر بدم یا به قولی (خواستن، توانستن است) و من به آن ایمان پیدا کردم.

استاد واقعاً استاد است:

وقتی به استاد احمدی مراجعه کردم، پس از دقایقی که با من صحبت کرد بعضی از تکنیک های آلفای ذهنی (مثل تکنیک پاک کردن خاطرات منفی در چند دقیقه) رو در مورد من اجرا کرد و روحیه ام بسیار قوی و عالی شد و هیچوقت فراموش نمیکنم که از آن روز به بعد از لحاظ فکری بسیار پیشرفت کردم که این را مدیون استاد احمدی هستم. در ادامه پس از اینکه از لحاظ روحی آماده شدم خیلی زود بعد از کارشناسی کردن منابع و انتخاب اونها توسط استاد منابع مورد نیازم را تهیه کردم و کارم را شروع کردم. من پشت کنکور بودم و نمیخواستم اشتباهی که سال قبل انجام دادم رو دوباره تکرار کنم به همین خاطر دیگه کلاس نرفتم و به پیشنهاد استاد از لوح های فشرده تدریس اساتید که به صورت کاملاً تکنیکی و راهبردی بود استفاده کردم و هر موقع سوالی داشتم با ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تماس می گرفتم.

نتیجه ی غیر قابل باور:

با تلاش، پشتکار و علاقه ای که داشتم تونستم با لوح های فشرده ی اساتید و برنامه ریزی دقیق و گام به گام ایمیج میکینگ استاد در کمتر از ۲ماه تغییر بزرگی رو در خودم ببینم. نتیجه ای که در آزمون سنجش برایم حاصل شد همه را شوکه کرده بود. من در عرض کمتر از ۲ ماه ترازم حدود ۲۵۰۰ تا پیشرفت کرده بود. بی وقفه به حضور استاد رسیدم و استاد با بررسی درصد ها یم و همچنین مشاهده دروس ضعیفم سریعاً در همان دروس تکنیک ها را مستقیماً به من ارائه دادن و من با تلاش و پشتکار خود از آن تکنیک ها پس از بار ها استفاده تونستم به خوبی در تست از آن ها بهره مند شوم. پس از آمادگی و تسلط بر همه دروس در نهایت برای عملکرد بهتر و سریعتر در تست ها استاد با در اختیار گذاشتن لوح های فشرده تکنیک های تست زنی مافوق حرفه ای مرا در سه درس که در آزمون های آزمایشی بالاترین درصد را داشتم به درصد ۱۰۰ نزدیک کند. که در نهایت، ۲ درس تخصصی زیست و شیمی را ۹۲ و ۹۴ درصد زدم و دین وزندگی را بالای ۸۹ درصد بزنم. در روز کنکور وقتی برخی از داوطلبان با دیدن سوالات به وحشت می افتادن من شاد تر و شاد تر میشدم و بالاخره بعد از این همه زحمت و تلاش و کمک استاد عزیزم من به رؤیا و هدفم که دندانپزشکی روزانه بود برسم.

استاد احمدی

چگونه میخوای با معدل کتبی ۱۱/۲۳ به دندونپزشکی برسی؟! تو که از خیلی ها درست ضعیفتره وقتی اونا نتونستن اونوقت مگر تو میتونی؟! شاگرد اول کلاس امیدی نداره اونوقت تو.. این ها حرف هایی بودن که همکلاسی هام زمان دبیرستان بهم میگفتن، چون همه می دونستن که من عاشق دندونپزشکی ام. همه میدونستن که من همیشه حرف از قبولی تو این رشته میزنم و همیشه با این حرف ها میخواستن جوری ناامیدم کنن، اما من توجهی به اونا نکردم.

حالا از خودتون می پرسید که چرا سال اول نتونستم؟ در واقع من استاد احمدی را نداشتم.

حرف آخر؛ یک پیشنهاد یا درد و دل دوستانه:

همه ی شما بدونید که سرگذشت کنکورم (که الآن جزئی از خاطرات خوش زندگیمه) رو برای تو، شما دوست کنکوری یا دبیرستانی ام نوشتم تا بدانی که انسان اشرف مخلوقاته و هرگاه که تو بخوای میتونی آینده ات را با اندیشه و تلاش تغییر بدی به طوری که مطابق میل خودت باشه و به یاری خداوند به بهترین زندگی برسی. چرا که اگر می بینی خداوند هدفی را که در دلت نهاده قطعاً تو رو شایسته ی رسیدن به اون هدف دونسته پس سعی کن با تلاش و توکل بر خدا حتماً به هدفت برسی. و خداوند در قرآن می فرماید: "من یتوکل علی الله فهو حسبه" (هر که اتکایش به خدا باشد خدا برای او کافی است) و "ان الله یحب المتوکلین" (خداوند توکل کنندگان را دوست دارد) با یاد و توکل به خدا از زندگی لذت ببر و به دنیا بخند، همین الآن وقتشه، بله بخند تا درهای امید به رویت باز شه، به امید یاری حق.

-اکنون من میلاد علی نیا- دانشجوی رشته دندانپزشکی روزانه، مشاور و برنامه ریز کنکور و مدرس درس شیمی و زیست تمام تجربیات دو سال کنکورم را که مستقیماً از استاد حسین احمدی دریافت کرده ام را در اختیار داوطلبان عزیز کنکور ۹۳ قرار میدهم تا با یاری پروردگار و تلاششان با رسیدن به هدفشان آینده ای درخشان در درجه اول برای خود، خانواده، شهر و کشورشان بسازند و افتخار میهن عزیزمان باشند. همچنین به همه عزیزانی که مقاله این حقیر موجب پیشرفت و در نهایت رسیدن به قله ی سعادت در زندگیشان شد درود می فرستم و از صمیم قلب برای آن ها و خانواده شان آرزوی بهترین ها را از پروردگار متعال خواستارم.

"هرگز روزت را با تکه های شکسته ی دیروز آغاز مکن امروز روز دیگریست"

ارتباط با استاد احمدی و بنده:
۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲
سامانه پیام کوتاه
۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶

دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان

روزگاری فقط قشر خاصی می‌توانستند از معلمان برتر استفاده نمایند، اما امروز...

دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شابک بین‌المللی

داوطلبان کنکور

VCD و DVDهای درسی (تقویتی، تکنیکی)

بانظارت استاد حسین احمدی

به همراه کتاب‌ها و جزوات کمک آموزشی اساتید برتر

- با بهترین کیفیت و نازلترین قیمت
- فیلمبرداری ۲ دوربینه و ۳ دوربینه FullHD و قابل اجرا در دستگاه‌های پخش خانگی
- آموزش خط به خط، مفهومی و تکنیکی کتاب درسی و نکات ناگفته فوق حرفه‌ای ویژه‌ی معدل‌سازی و تست‌زنی کنکور vvip
- ارائه روش‌های حل مسئله و تکنیک‌های پاسخ‌گویی سریع و آسان به سؤالات تشریحی و تستی بر اساس تجربیات رتبه‌های تک‌رقمی و برتر کنکور

نویسنده‌ی جزوات کنکور، مشاور و برنامه‌ریز تحصیلی از سال ۱۳۷۳ تا به امروز
فارغ‌التحصیل رتبه برتر مهندسی از دانشگاه سراسری تهران
برنامه‌ریز رتبه‌های ۱، ۲، ۵، ۹، ۸، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۳۵، ۶۱ و...
در کنکورهای ۷۷، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱ و ۹۲
اولین و تنها مشاور برنامه‌ریز کنکوری از ایران، دارنده مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان inted2009
و النسیا، اسپانیا، رم ایتالیا، باتکوک تایلند، مادرید اسپانیا و...
تقدیرشده در بیش از ۲۰ منطقه آموزشی و پرورش سراسر ایران
رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه تهران

اسامی بعضی از اساتید که در سی دی ها تدریس کرده‌اند:

دکتر عباس احمدی فارغ‌التحصیل روزانه سراسری دانشگاه تهران رتبه یک کنکور و دکترای مهندسی و استاد دانشگاه، مشاور و ناظر کیفی دی‌وی‌دی کتاب‌های آموزشی استاد حسین احمدی
دکتر فرخ دادگستری فارغ‌التحصیل پزشکی عمومی سراسری، متخصص بیهوشی، مدرس رتبه‌های ۱، ۴، ۱۱، ۳۳، ۳۷ و غیره با بیش از ۲۲ سال سابقه‌ی تدریس، مؤلف کتاب‌های زیست ۹ بعدی
سعید زلوخی جوکار دانشجوی کارشناسی ارشد سراسری فقه و حقوق، رتبه برتر کنکور سراسری، تنها کسی که دو سال پی در پی عربی کنکور سراسری ۸۹ و ۹۰ را صددرصد زده است
دکتر محمدعلی شفائی (آبان) دکترای ادبیات، استاد دانشگاه‌های تهران و حومه، دکتر محمود اکبری رتبه ۱ کنکور دکترای تخصصی استاد ریاضیات کنکور و دانشگاه
دکتر کامران زارعیان استاد دانشگاه در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و روش تحقیق، مؤلف کتاب پرفروش موفقیت در برنامه‌ریزی تحصیلات تکمیلی. دکتر محمدعلی رجایی رتبه‌ی ۱ دکتری استاد دانشگاه، مشاور و برنامه‌ریز درسی.
مهندس امیر مسعودی اولین و تنها دارنده مجوز فیلم مستند آموزشی در زمینه‌ی فیزیک و ریاضیات نویسنده کتابهای ۲۰ گانه‌ی خلاقیت در ریاضیات و فیزیک به روش تکنیکی و رمزگردانی، مدرس رتبه‌های برتر
استاد شهراد محجوبی کارشناس ارشد زبان انگلیسی، مؤلف بیش از ۴۵ جلد کتاب کنکور و دانشگاهی با بیش از ۳۰ سال سابقه‌ی تدریس در آموزش و پرورش. دکتر امیر دانش‌زاده مدرس برتر زبان انگلیسی
استاد حسین احمدی مؤلف کتابها و جزوات کنکور از سال ۷۳ تا به امروز با مدیریت تألیف و نویسندگی بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب و مقاله‌ی آموزشی، بنیانگذار DVD، CDهای تکنیکی، فوق حرفه‌ای، مافوق حرفه‌ای، VVIP و ۹ بعدی تدریس دروس پایه تا کنکور، با تولید بیش از ۲۰۰۰ حلقه CD و DVD صوتی و تصویری، برگزاری صدها همایش تحصیلی از سال ۷۹ تا به امروز در سراسر کشور و بنیانگذار برنامه رادیو - تلویزیونی «کنکور آسان است»

تلفن‌های تماس: ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲-(۰۲۱)۶۶۴۰۹۰۰۷

در هیچ نقطه کشور نمایندگی وجود ندارد
خرید حضوری یا با ارسال پستی در تهران و شهرستان‌ها

چگونه از فوق دیپلم، دانشجوی دکترای دندانپزشکی سراسری شد؟

تصمیم برای قبولی در دندانپزشکی

ترم آخر دانشگاه بود و کم کم می خواستم برای کنکور سال بعد آماده شوم. بله تعجب نکنید. بنده یک بار کنکور داده و رتبه‌ی ایده آلی کسب نکرده بودم و به دلیل انتخاب رشته‌ی غلط، در یک رشته‌ی کاردانی قبول شده بودم. اما به دلیل اینکه دو سال از کنکور محروم می شدم، در این رشته مشغول به تحصیل شدم.

از راهی که در پیش گرفته بودم، مطمئن نبودم. از یک طرف دوستانم به من امید می دادند و از طرف دیگر مأیوسم می کردند. بعضی از دوستانم می گفتند: «ما تلاش مون رو کردیم و تو این رشته قبول شدیم، پس نمی تونیم تو کنکور بعدی موفق باشیم. اونم با شرایطی که چند سال از کنکور دور بودیم و کتاب ها کلی تغییر کرده و کنکور سخت تر و مفهومی تر شده.»

اما من تصمیم خودم را گرفته بودم و می خواستم حتماً در کنکور سال آینده شرکت کنم و دندانپزشکی سراسری قبول شوم پس با اراده‌ی تمام، قدم در این راه گذاشتم. من در تهران بودم که یک روز به صورت تصادفی، بروشوری را دریافت کردم. این بروشور که راجع به کنکور بود، توجه مرا به خود جلب کرد.

«چگونه رتبه‌ی برتر کنکور شویم؟» ۱- تسلط بر روش‌های علمی مطالعه و مرورهای علمی ۲- تسلط بر روش‌های خلاصه‌نویسی ۳- تسلط بر تندخوانی و افزایش سرعت مطالعه تا ۶ برابر ۴- چگونه حافظه‌ی خود را تقویت کنیم؟ و..

و در نهایت نام استاد احمدی و رتبه‌های برتری بود که با برنامه‌ریزی استاد، رتبه‌های تک‌رقمی و دورقمی کنکور شده بودند.

با خود گفتم: کاش می شد من هم شاگرد چنین استادی می شدم. تصمیم گرفتم با استاد ملاقاتی داشته باشم و این شانس بزرگ من بود.

با ایشان ملاقات کردم و طی مشاوره‌یی که انجام دادم، اعتماد به نفس فوق‌العاده‌یی یافتم و به امید خدا خودم را در این آزمون، پذیرفته دیدم.

«باسند و مدرک به استاد ایمان آوردم

استاد ابتدا با سند